

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى قُرَيْشٍ



دعای صنی قریش
واعتبار آن

دعای صنی قریش

واعتبار آن

عبد الزمراء (علیها السلام) حیدر

بسم الله الرحمن الرحيم

جهت ترویج فرهنگ اهل بیت و شعائر ولایت حضرات
معصومین علیهم السّلام و برائت از دشمنان آنان، در تکثیر
این کتاب و برگزاری مجالس قرائت این دعای شریف، با رعایت
موارد تقیّه کوشا باشید تا مرهمی بر زخم سینه حضرت
صدّیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار دهید. این کتاب
اهدایی بوده و خرید و فروش آن شرعاً جایز نیست.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد
و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين
«تبرّی» به معنای بیزاری جستن از دشمنان خدا، پیامبر و
امامان بوده، بخشی از توحید و اعتقاد به آن واجب ضروری
قرآن، سنت مطهره، فطرت و عقل است.
اهمّیت این موضوع تا جایی است که توحید - که همان
پذیرش ولایت است - بدون برائت تحقّق نمی یابد. و «لعن»
یکی از برترین مظاهر و مصادیق تبرّی است.
«لعن» در لغت به معنای نفرین کردن و در اصطلاح اسلام به
معنای آرزوی دوری از رحمت خدا و نزدیکی عذاب است
که در آیات و روایات فراوانی آورده شده است. مثلاً در
آیات ذیل، کافران، منافقان و آزاردهندگان خدا و پیامبر به
طور ویژه مورد لعنت قرار گرفته اند:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» - همانا کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا، فرشتگان و تمامی مردم بر آنان است».

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» - خداوند آتش جهنم را به مردان و زنان نفاق پیشه و کافران، وعده داده است که در آن جاوید باشند. آتش برای آنان بس است. خداوند آنان را لعنت کرده و عذابی پایدار برای آنان است».

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» - همانا کسانی که خدا و پیامبرش را

۱- (۲) سوره البقرة: آیه ۱۶۲.

۲- (۹) سوره التوبة: آیه ۶۸.

۳- (۳۳) سوره الأحزاب: آیه ۵۸.

می آزارند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنان عذابی خوارکننده مهیا ساخته است».

لعن، در روایات بسیاری نیز آورده شده است که دعای امام صادق علیه السلام پس از انجام فرائض، دعای سجده شکر از امام رضا علیه السلام و دعای ارزشمند صمنی قریش، سه مورد از آنها است.

اما درباره دعای صمنی قریش، برخی گفته اند: دعای صمنی قریش معتبر نیست.

گوییم: هر چند بازار شلوغ است و همه خود را صاحب نظر می دانند، اما بایسته است که بدانیم گویندگان چنین سخنانی، بیمار دلان کج اندیش و مَنّی بدتر از سَنّی (البته صحیح است گفته شود بکری، عمری، عثمانی، اموی، ابوسفیانی، یزیدی و ناصبی و اهل بدعت و ...) هستند که جز شمشیر کج حضرت صاحب الامر علیه السلام، آنان را راست نمی کند زیرا به

هرچه در راستای تلقین، تأیید و تحکیم ولایت آل محمد صلی الله علیه و برائت از دشمنان آنان علیهم لعائن الله باشد، حمله ور شده و با القای شبهه می خواهند نور خدا را خاموش کنند، غافل از آنکه خداوند نور خویش را تمام خواهد نمود گرچه کافران را ناخوش آید.

این مختصر - که شامل سه بخش: وجوب برائت و مسائل مربوط به آن که دانستن آنها بر هر مسلمانی واجب است، وجوه اعتبار دعای صنمی قریش، و بالاخره متن تلفیقی دعای صنمی قریش است - جهت اتمام حجّت و ارتقای سطح آگاهی موالیان حقیقی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، عرضه می شود. امید است مورد پذیرش امام غریب زمان ولی الله الأعظم حجّة بن الحسن المهدی علیه السلام قرار گیرد.

امّا درباره تبری، باید نکاتی را مدّ نظر داشته باشیم. نخست باید حق و اهل آن و باطل و اهل آن را به خوبی بشناسیم تا

بدانیم چرا از فرد یا گروه خاصی بیزاری می‌جویم.

و هم‌چنان‌که برای شناسایی باطل و اهلش، به سراغ قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌رویم، باید چگونگی اظهار تبری را نیز از آنان بیاموزیم. بنابراین نمی‌توانیم در این راستا دست به هر اقدامی بزنیم بلکه باید سنت و سیره اهل بیت علیهم‌السلام را مدّ نظر داشته باشیم.

و هرگز نباید از ضرورت تقیه در مواضع آن غافل شویم زیرا اهل بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند: «هرکس تقیه نمی‌کند، دین ندارد». همچنین امام جعفر صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود به نام معلی بن خنیس فرمودند:

يَا مُعَلَّى! أَكُتِّمُ أَمْرَنَا وَلَا تُدْعُهُ، فَإِنَّ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَلَمْ يُدْعِهِ، أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا، وَجَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ.

يَا مُعَلَّى! مَنْ أَذَاعَ حَدِيثَنَا وَ أَمْرَنَا وَلَمْ يَكْتُمْهُ، أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا، وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ، وَ جَعَلَهُ ظُلْمَةً

تَقُودُهُ إِلَى النَّارِ.

يَا مُعَلَّى! إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَدِينُ آبَائِي، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ.
يَا مُعَلَّى! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ، كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي
الْعَلَانِيَةِ.

يَا مُعَلَّى! إِنَّ الْمُذْيِعَ لِأَمْرِنَا كَالْجَا حِدِ لَهُ^۱.

ای معلی! امر (گفتار و کردار و اسرار) ما اهل بیت را (جز در
آنجا که شایسته است) پنهان داشته و فاش نگردان، زیرا
هرکس امر ما را (نزد نااهل) پنهان دارد و فاش نکند، خداوند
او را در دنیا عزیز و گرامی کند و در آخرت آن را نوری در
میان دو چشم او قرار می دهد که او را به دنبال خود به بهشت
می برد.

۱- بحار الأنوار: جلد ۲ صفحه ۷۳ باب ۱۳ حدیث ۴۱ و جلد ۷۲ صفحه ۴۲۱
باب ۸۷ حدیث ۸۰ از مشکاة الأنوار: صفحه ۴۰ فصل ۱۱ و المحاسن:
جلد ۱ صفحه ۲۵۵ باب ۳۱ حدیث ۲۸۶، وسائل الشیعة: جلد ۱۶
صفحه ۲۱۰ باب ۲۴ حدیث ۲۱۳۷۹.

ای معلّی! کسی که سخن و کار ما را (جایی که شایسته نیست) فاش کند و پنهان نکند، خداوند او را بدان، در دنیا خوار گرداند، و در آخرت، نور میان دو چشمش را بردارد و آن را تاریکی و ظلمتی قرار دهد که او را به سوی آتش می‌کشانند.

ای معلّی! همانا تقیّه (ابراز نکردن باورها در غیر موضع آن)، دین من و دین پدران من است. و آن‌کس که تقیّه نکند، دین ندارد.

ای معلّی! همانا خداوند دوست دارد در پنهان پرستیده شود، چنان‌که دوست دارد آشکارا عبادت شود (ارزش، پرستش خداوند است. بنابراین اگر اقتضای شرایط، پرستش خدا در نهان باشد، خداوند به آن راضی خواهد بود و اهمّیت آن، کمتر از عبادت آشکارا نیست).

ای معلّی! همانا آن‌کس که امر (گفتار و کردار و اسرار) ما را

(در غیر جایگاه آن) فاش می‌کند، مانند کسی است که آن را انکار و تکذیب می‌کند.

شیخ طوسی از ابونصر هبة الله بن محمد نقل می‌کند که گفت: ابوالحسن بن کبریا نوبختی، برای من نقل کرد که به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه (سومین نائب خاص امام زمان عجل الله فرجه الشریف) خبر رسید که یکی از دربان‌های شما، معاویه را لعنت می‌کند و به وی ناسزا می‌گوید.

از این رو، حسین بن روح دستور داد او را رانند و از خدمت عزل کردند. دربان مدّت درازی بیکار بود و خواهش می‌کرد که او را به کار سابق برگردانند، ولی به خدا قسم! حسین بن روح او را دیگر به سر خدمت خود نیاورد، تا آنکه یکی از بستگان حسین بن روح، او را استخدام کرد که با وی در جایی کار کند. حسین بن روح، تمام این کارها را از روی

تقیّه انجام می داد.^۱

بنابراین بایسته است که مواضع تقیّه را به خوبی بشناسیم و چنانچه اهل بیت امر کرده اند عمل کنیم تا مبادا سرگرم فرع شویم و اصل را از یاد ببریم که اگر بر اثر تقیّه نکردن ما، به اسلام یا جان، ناموس یا آبرو و مال مسلمانی آسیبی برسد، قطعاً مسئول خواهیم بود.

۱- بحار الأنوار: جلد ۵۱ صفحه ۳۵۷ از کتاب الغیبه شیخ طوسی: صفحه

بخش اول: وجوب برائت...

بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بخشی از توحید است
 امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: تَصَدِيقُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَصَدِيقُ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ مَوَالَاةُ عَلِيٍّ علیه السلام وَ الْإِنْتِمَاءُ بِهِ وَ بِأَيِّمَةِ الْهُدَى علیه السلام وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ - (معرفت خدا عبارت است از): تصدیق خداوند عزوجل، تصدیق پیامبرش صلی الله علیه و آله، موالات حضرت علی علیه السلام، پذیرفتن امامت او و امانان هدایت علیه السلام و بیزاری جستن از دشمنان آنان به درگاه خداوند تعالی. خداوند عزوجل این چنین شناخته می شود.^۱

ابوبکر و عمر کافرند و...

امام زین العابدین علیه السلام درباره ابوبکر و عمر فرمودند: کَافِرَانِ، کَافِرٌ مَنْ أَحَبَّهُمَا - آن دو کافر بودند و کسی که آن دو را

۱- الکافی: جلد ۱ صفحه ۱۸۰ باب معرفة الإمام و الردّ إلیه... حدیث ۱

به سندش از ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام.

دوست بدارد نیز کافر است.^۱

و در حدیث دیگری فرمودند: هُمَا أَوَّلُ مَنْ ظَلَمْنَا حَقًّا وَ أَخَذَا
مِيرَاثَنَا، وَ جَلَسَا مَجْلِسًا كُنَّا أَحَقَّ بِهِ مِنْهُمَا، لَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمَا وَ لَا
رَحِمَهُمَا، كَافِرَانِ، كَافِرٌ مَنْ تَوَلَّاهُمَا آن دو نخستین کسانی
بودند که به ما درباره حق ما ظلم کردند و ارث ما را به
غصب و ناحق تصرف کردند و در جایگاهی نشستند که ما از
آنها نسبت به آن سزاوارتر بودیم. خداوند آنان را نیامرزد،
و آنان را مورد رحمت قرار ندهد. آن دو کافر بودند و کافر
است هرکسی که آنان را سرپرست خود برگزیند.^۲

۱- تقریب المعارف: صفحه ۲۴۴، بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۳۸۱
باب ۲۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ باب ۱۰۱ حدیث ۲۵، مستدرک الوسائل:
جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ باب ۸ حدیث ۲۲۴۳۸-۱۹.

۲- تقریب المعارف: صفحه ۲۴۴، بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۳۸۱
باب ۲۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ باب ۱۰۱ حدیث ۲۵، مستدرک الوسائل:

ولی معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می‌کند

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ... ما أَهْرِيقُ فِي الْإِسْلَامِ مِخْجَمَةً مِنْ دَمٍ - وَلَا أَكْتَسِبَ مَالٌ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ - وَلَا نَكِحَ فَرْجٌ حَرَامٌ إِلَّا وَ ذَلِكَ فِي أَعْنَاقِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، وَ نَحْنُ مَعَاشِرَ بَنِي هَاشِمٍ نَأْمُرُ كِبَارَنَا وَ صِغَارَنَا بِسَبِّهِمَا وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا - تا روز قیامت هیچ خونی به ناحق در اسلام ریخته نشود و هیچ مالی نیست که به ناحق به دست آید و هیچ ناموسی به حرام نرود مگر اینکه گناه آن بر گردن آن دو نفر است تا آن هنگام که قائم از ما اهل بیت قیام نماید و ما خاندان بنی هاشم، بزرگان و کودکان خود را به دشنام دادن و بیزاری جستن از آنان فرمان می‌دهیم.^۱

جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸ باب ۸ حدیث ۲۲۴۳۹-۲۰.

۱- بحار الأنوار: جلد ۴۷ صفحه ۳۲۳ باب ۱۰ حدیث ۱۷ از إختیار معرفة الرجال، الکشي: صفحه ۲۰۶ حدیث ۳۶۳ به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام.

کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت علیهم السلام، موجب لعنت خداست
 امام جواد علیه السلام فرمودند: رسول الله ﷺ فرمودند: مَنْ تَأْتَمَّ أَنْ
 يَلْعَنَ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ - لعنت خدا بر آن کس باد که
 از لعنت کردن کسی که خدا او را لعنت کرده، روی گرداند.^۱

جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیهی ﴿... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ
 نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ -
 کسانی که به وی ایمان آورده‌اند و او را گرمی داشته و یاری
 کردند و از نوری که همراه با او نازل شد، پیروی کردند،
 همانان اند رستگاران﴾^۲ فرمودند: ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، يَعْنِي
 بِالْإِمَامِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ
 هُمُ الْمُفْلِحُونَ، يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ أَنْ

۱- بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۳۱۸ باب ۱۰ حدیث ۸۵ از اختیار معرفة

الرجال، الکشي: صفحه ۵۲۸ حدیث ۱۰۱۲ به سندش از امام جواد علیه السلام.

۲- (۷) سوره الأعراف: آیه ۱۵۸.

يَعْبُدُوهَا، وَالْجِبْتُ وَالطَّاغُوتُ: فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ، وَالْعِبَادَةُ طَاعَةُ النَّاسِ لَهُمْ...^۱ مقصود خداوند از عبارت «آنان که به او او ایمان آوردند»، امام است و مقصود از گرامی دارندگان و یاری کنندگان و پیروان از نور نازل شده همراه با پیامبر، کسانی هستند که از پرستش «جبت» و «طاغوت» سرباز زدند و پرهیز نمودند. و همانا «جبت» و «طاغوت» (بارزترین مصادیق کفر)، فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) هستند و مقصود از پرستش (آنان)، فرمان برداری مردم از ایشان است ...

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر جبت و طاغوت (دو بت بزرگ) در آیه کریمه: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ﴾ فرمود: مقصود فلانی (ابوبکر)

۱- کتاب شریف «الکافی» جلد ۱ صفحه ۴۲۹ حدیث ۸۳ به سند خود از ابو عبیده حذاء از امام باقر علیه السلام.

و فلانی (عمر) می باشد.^۱

ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و ... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغی و آنچه حرام است

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه کریمه ﴿وَحَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ فرمود: (مراد از) ایمان در این کلام خدای متعال، امیرالمؤمنین است و (مقصود از) کفر و فسوق و عصیان، اولی (ابوبکر) و دومی (عمر) و سومی (عثمان) هستند (زیرا بنیان‌گذار کفر و فساد و عصیان، آنان بودند).^۲

۱- بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۱۸۷ باب ۲۰ حدیث ۴۶ از کتاب شریف بصائر الدرجات: جلد ۳۴ باب ۱۶ حدیث ۳ به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام. و در کتاب شریف بشارة المصطفی: صفحه ۱۹۳ نیز مانند آن است.

۲- بحار الأنوار: جلد ۲۲ صفحه ۱۲۵ باب ۳۷ حدیث ۹۶ و جلد ۲۳ صفحه ۳۷۹ باب ۲۱ حدیث ۶۷ و تأویل الآيات الظاهرة: صفحه ۵۸۵ از کتاب شریف الکافی: جلد ۱ صفحه ۴۲۶ باب فيه نکت و نتف من

امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر فحشاء و منکر فرمودند:
 (مقصود) ولایت فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) است.^۱
 امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر فحشاء و منکر در آیه کریمه:
 ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
 الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ فرمودند:
 خداوند از فحشاء و منکر بازداشته است و همانا آنان، کسانی
 هستند که به ما اهل بیت ظلم کرده و به سوی غیر ما دعوت

التَّنْزِيلُ فِي الْوَلَايَةِ حَدِيث 71 به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام. در
 بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۱۷۱ باب ۲۰ حدیث 28 و جلد ۳۵
 صفحه ۳۳۶ باب ۱۳ حدیث ۱ از تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی:
 جلد ۲ صفحه ۳۱۹ و در کتاب شریف مناقب آل اَبی طالب: جلد ۳
 صفحه ۹۴ نیز مانند آن آمده است.

۱- تفسیر شریف العیّاشی: جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث 60 به سند خود از
 امام جعفر صادق علیه السلام.

کردند.^۱

امام صادق علیه السلام در تفسیر فحشاء، منکر و بغی فرمود: مقصود
فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) است.^۲

۱- بحار الأنوار: جلد ۲۳ صفحه ۲۶۸ باب ۱۵ حدیث ۱۵ و جلد ۲۴
صفحه ۱۹۰ باب ۵۲ حدیث ۱۴ و جلد ۳۶ صفحه ۱۸۰ باب ۳۹ از تفسیر
شریف العیاشی: جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث ۵۹ به سند خود از امام محمد
باقر علیه السلام. در تفسیر شریف العیاشی: جلد ۲ صفحه ۲۶۸ حدیث ۶۳ نیز
مانند آن آمده است.

۲- بحار الأنوار: جلد ۲۴ صفحه ۱۸۸ باب ۵۲ حدیث ۶ و جلد ۳۰
صفحه ۱۷۱ باب ۲۰ حدیث ۲۶ و جلد ۳۶ صفحه ۱۷۹ باب ۳۹
حدیث ۱۷۲ از تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی: جلد ۱ صفحه ۳۸۸.
همچنین بحار الأنوار: جلد ۳۶ صفحه ۱۸۰ باب ۳۹ حدیث ۱۷۳ از تفسیر
شریف العیاشی: جلد ۲ صفحه ۲۶۷ حدیث ۶۲ به سندش از امام باقر علیه السلام
مانند آن را آورده است.

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر فحشاء و منکر و بغی فرمودند: آنان، ستمگران به رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت، کشندگان ایشان و کسانی اند که حقوق اهل بیت علیهم السلام را (از ایشان) بازداشتند.^۱

آزاردندگان فاطمه، آزاردندگان خدا و رسول اند

امام باقر علیه السلام فرمودند: ... سپس حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر و عمر چنین درخواست کردند: شما را به خداوندی که جز او خدایی نیست، آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حقّ من شنیدید که فرمودند: مَنْ آذَى فَاطِمَةَ فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ؟ هرکس فاطمه را بیازارد مرا آزرده و هرکس مرا بیازارد، خدا را آزرده است؟ گفتند: آری شنیدیم. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: گواهی می‌دهم که شما دو تن،

۱- بحار الأنوار: جلد ۲۴ صفحه ۱۸۸ باب ۵۲ حدیث ۷ و تأویل الآیات الظاهرة: صفحه ۲۶۴ هر دو از کتاب شریف إرشاد القلوب واعظ دیلمی به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام.

به یقین مرا آزرديد.^۱

امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: حضرت زهرا عليها السلام به ابوبکر و عمر فرمود: آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیدید که می فرمودند: فاطمة بضعة مني، فمن آذاها فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله؟ - فاطمه پاره ای از (وجود) من است، پس هرکس او را بیازارد، مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد، خدا را آزرده است؟ گفتند: آری (شنیده ایم). حضرت فرمود: فوالله لقد آذيتُماني - پس به خدا سوگند شما دو تن مرا آزرديد.^۲

۱- بحار الأنوار: جلد ۲۹ صفحه ۱۵۷ حدیث ۲ از مصباح الأنوار. و در بحار الأنوار: جلد ۲۹ صفحه ۱۵۷ حدیث ۴ به نقل از امام صادق از پدران گرامی ایشان عليه السلام مانند آن آمده است.

۲- کتاب شریف دلائل الإمامة، نگاشته محمد بن جریر طبری شیعی: صفحه ۱۳۴ حدیث ۴۳ به سند متصل و صحیح از امام جعفر صادق عليه السلام. همچنین کتاب شریف الدرّ النظیم نگاشته ابن حاتم العاملي: صفحه ۴۸۳

لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول

خدای تعالی می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾ - همانا کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنها عذاب خوارکننده ای مهیا ساخته است. ﴿

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۲ - و آن کسانی که رسول خدا را می آزارند، عذاب دردناکی برای آنهاست. ﴿

مانند این دو حدیث را از ابن عباس همراه با اضافاتی نقل می کند.
رجوع کنید به بحار الأنوار: جلد ۴۳ صفحه ۱۷۰ حدیث ۱ و عوالم العلوم:
جلد ۱۱ صفحه ۴۱۱ و ۵۰۴ و مأساة الزهراء عليها السلام، السید جعفر مرتضی:
جلد ۲ صفحه ۶۵ حدیث ۳۲.

۱- (۳۳) سوره الأحزاب: آیه ۵۸.

۲- (۹) سوره التوبة: آیه ۶۱.

اعتراف عمر به جنایات...

در کتاب شریف بحار الأنوار: جلد 30 صفحه 287 باب 20 حدیث 151 به سند خود از قسمت مفقود شده کتاب شریف دلائل الإمامة به سندش از سعید بن المسيّب نقل می‌کند که عمر بن الخطّاب علیه اللّٰعنة و العذاب در نامه خود به معاویه ادخله الله الهاوية چنین نوشت: ...فخرجت فاطمة فوقفت من وراء الباب، فقالت: أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ! ماذا تَقُولُونَ وَ أَيْ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ فقلت: يا فاطمة! فقالت فاطمة: ما تَشَاءُ يا عُمَرُ؟ فقلت: ما بال ابن عمّك قد أوردك للجواب و جلس من وراء الحجاب؟ فقالت لي: طُغْيَانُكَ يا شَقِيٌّ أَخْرَجَنِي وَ أَلْزَمَكَ الْحُجَّةَ، وَ كُلَّ ضالٍّ غَوِيٍّ. فقلت: دعي عنك الأباطيل و أساطير النساء و قولي لعلِّي يخرج، لا حبّ و لا كرامة. فقالت: أَ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ تُخَوِّفُنِي يا عُمَرُ وَ كَانَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ضَعِيفاً؟ فقلت: إن لم يخرج جئت بالحطب الجزل و أضرمتها ناراً على أهل هذا البيت و أحرقت من فيه، أو يقاد عليّ إلى البيعة، و أخذت سوط قنْفِذٍ فضربت و قلت لخالد بن الوليد: أنت و رجالنا هلمّوا في جمع

الخطب، فقلت: إني مضرهما. فقالت: يا عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّ رَسُولِهِ
وَعَدُوَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. فضربت فاطمة يديها من الباب تمنعني
من فتحه فرمته فتصعب عليّ فضربت كفيها بالسَّوْطِ فَأَلَمَهَا،
فسمعت لها زفيراً وبكاءً، فكدت أن ألين وأنقلب عن الباب
فذكرت أحقاد عليٍّ و ولوعه في دماء صناديد العرب، وكيد
محمّدٍ و سحره، فركلت الباب و قد ألصقت أحشاءها بالباب
تترسه، و سمعتها و قد صرخت صرخةً حسبتها قد جعلت
أعلى المدينة أسفلها، و قالت: يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَكَذَا كَانَ
يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَ ابْنَتِكَ، آه يَا فِضَّةُ! إِلَيْكَ فَخُذِينِي فَقَدْ وَ اللَّهُ
قَتَلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ. و سمعتها تمخض و هي مستندة
إلى الجدار، فدفعت الباب و دخلت فأقبلت إليّ بوجهٍ أغشى
بصري، فصفت صفقةً على خديها من ظاهر الخمار فانقطع
قرطها و تناثرت إلى الأرض...!... پس فاطمه آمد و پشت در

١- برخی دیگر از منابع نامه عمر لعنة الله عليه: کتاب شریف الصّراط
المستقیم: جلد ٣ صفحه ٢٥، کتاب الأربعین، ملا محمد طاهر قمی شیرازی
صفحه ٥٦٥-٥٦٦ از کتاب الصّراط المستقیم، مجمع النورین، شیخ

ایستاد و گفت: ای گمراهانِ تکذیب‌کننده! چه می‌گویید و چه می‌خواهید؟ گفتم: ای فاطمه! گفت: چه می‌خواهی ای عمر؟ گفتم: چرا پسر عمویت تو را برای پاسخ‌گویی فرستاده و خود در پس پرده نشسته است؟ در پاسخ به من گفت: ای بدبخت! سرکشی تو مرا بیرون آورد تا حجت را بر تو و هر گمراه سرکش دیگر، تمام کند. گفتم: این یاهوها و افسانه‌های زنانه را از خود واگذار و به علی بگو بیرون آید که دوستی و احترامی در بین نیست. گفت: آیا مرا از لشکر شیطان می‌ترسانی ای عمر، حال آنکه لشکر شیطان ناتوان است؟

أبو الحسن مرندي: صفحه ۱۰۵، شاخه طوبی، میرزا حسین نوری
طبرسی رحمته الله مؤلف کتاب شریف مستدرک الوسائل صفحه ۱۹۹ تحت
عنوان: صورت عهدنامه که عمر ابن الخطاب به معاویه بن ابی سفیان
لعنة الله علیهما نوشته بود که از کتاب شریف بحار الأنوار از دلائل
طبری متن عربی و ترجمه فارسی آن را آورده است.

گفتم: اگر بیرون نیاید، هیزم خشک بسیار زیادی می آورم و کسانی را که در خانه هستند، می سوزانم مگر اینکه علی را برای بیعت بیرون کشیده، همراه ببریم. و تازیانه قنفذ را گرفتم و زدم. و به خالد بن ولید گفتم: تو و مردان ما، هیزم جمع کنید. سپس گفتم: من آن را برمی افروزم. فاطمه گفت: ای دشمن خدا و دشمن پیامبرش و دشمن امیرالمؤمنین. سپس فاطمه دست هایش را جلوی خانه گرفته، نمی گذاشت در را بگشایم. سعی کردم در را بگشایم اما این کار بر من سخت و دشوار شد. پس با تازیانه به دو دست او زدم که او را به درد آورد. صدای ناله سوزناک و گریه او را شنیدم. نزدیک بود نرم شوم و از در آن خانه بازگردم. در این هنگام کینه هایی که از علی داشتم و آزمندی و حرصی که او بر ریختن خون بزرگان عرب داشت و نیز نیرنگ و جادوگری محمد را یاد کردم، پس به در لگد زدم در حالی که فاطمه

شکم خود را به در چسبانده بود و از آن نگهبانی می‌کرد. و از او شنیدم که فریادی برآورد که گمان کردم مدینه زیر و رو شد و گفت: ای پدرجان، ای رسول خدا! با حبیبه و دختر تو این چنین رفتار می‌شود. آه ای فضّه! مرا دریاب که به خدا سوگند طفلی که در شکم من بود کشته شد. و صدای ناله او را به خاطر درد زایمان، شنیدم در حالی که به دیوار تکیه داده بود. پس در را فشار داده و داخل شدم. به من رو آورد طوری که بینایی مرا پوشاند (جلوی دید مرا گرفت). بدین جهت از روی مقنعه، طوری بر گونه‌هایش سیلی زدم که گوشواره‌اش گسیخت، (قطعه قطعه شده و) بر روی زمین پراکنده شد. . . .

نفرین حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه سلام الله علیها خطاب به ابوبکر لعنه الله فرمودند: فَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ أَسْخَطْتُمَانِي وَمَا أَرْضَيْتُمَانِي وَلَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَأَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ وَاللَّهِ لَأَدْعُونَ

اللَّهُ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أَصْلِيَّهَا - پس همانا خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم! به درستی که شما مرا خشمگین کرده و خشنود نمودید و چون پیامبر ﷺ را ملاقات کنم حتماً شکایت شما را نزد او خواهم برد... به خدا سوگند! در هر نماز که به پا می دارم، تو را نفرین می کنم.^۱

۱- مدارک فرمایش حضرت فاطمه عليها السلام از کتاب های شیعیان:
 الشّافي في الإمامة، الشّريف المرتضى: جلد ۴ صفحه ۸۵، تلخیص
 الشّافي، الشّیخ الطّوسی: جلد ۳ صفحه ۱۵۲، الصّراط المستقیم،
 البیاضی: جلد ۲ صفحه ۲۹۳، مناقب أهل البيت عليهم السلام، المولی حیدر
 الشیروانی: صفحه ۴۰۲، بحار الأنوار: جلد ۲۸ صفحه ۳۵۷ و جلد ۲۹
 صفحه ۳۲۸ ح ۱ و صفحه ۳۷۶، أعیان الشّیعة: جلد ۱ صفحه ۳۱۸ الغدير:
 جلد ۷ صفحات ۲۲۹-۲۳۰، مأساة الزّهراء عليها السلام، السّید جعفر
 مرتضی: جلد ۱ صفحه ۲۵۵، الهجوم علی بیت فاطمة عليها السلام، عبد الزّهراء
 مهدي: صفحه ۱۳۹، موسوعة شهادة المعصومین عليهم السلام: جلد ۱

صفحه ۱۷۹ حدیث ۲۸۹-۵۵، النصّ علی أمير المؤمنين عليه السلام، السيد علي
عاشور: صفحه ۲۵۰.

و از کتاب های پیروان اصحاب سقیفه ملعونه :

السّقیفة و فدک، الجوهری: صفحه ۱۰۴، الإمامة و السّیاسة، ابن قتیبة
الدينوري: جلد ۱ صفحه ۱۳ چاپ الفتوح الأدبية - مصر سال ۱۳۴۴هـ،
و جلد ۱ صفحه ۱۸-۱۹ تحقیق دکتر طه الزیني چاپ الحلبي - القاهرة
سال ۱۳۷۸هـ، أنساب الأشراف، البلاذري: جلد ۱۰ صفحه ۷۹ چاپ
دارالفکر، الرّسائل السّیاسیّة، الجاحظ: صفحه ۴۶۷ چاپ مکتبة
دارالهلل، شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد: جلد ۱۶ صفحه ۲۱۴
نامه ۴۵ به عثمان بن الأخنف، أعلام النّساء، عمر رضا کحالة: جلد ۳
صفحه ۱۲۱۴.

بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنی قریش
 درباره اعتبار این دعای شریف و عظیم الشان، دلایل محکم
 بسیاری وجود دارد که برخی از آنها آورده می شود.
 متن این دعای شریف، نه تنها با قرآن و سنت مسلّم، هیچ
 تعارضی ندارد، بلکه شواهد بسیاری نیز در آن دو دارد که
 در کتاب «رشح الولا» از آنها یاد شده است.
 عبارات‌های دعا بر حقایق قرآنی و تاریخی مستند دلالت دارد
 و کسی را دلیل بر انکار آنها نیست.
 متن این دعای شریف بر سیاق دعا‌های مسلّم الصدور از
 خاندان عصمت و طهارت است و کسی که از دریای معارف
 آنان چشیده است اختلافی در آن نمی یابد.
 همچنین گذشته از اینکه حتی یک نفر از علما و محدّثین، بر
 سند و متن این دعا خدشه‌ای وارد نکرده‌اند، متن آن، مورد
 قبول علما و محدّثین بوده است و فقرات آن را در موارد

بسیاری نقل کرده‌اند. این دعا، مورد پذیرش بزرگانی هم‌چون فیض کاشانی، مجلسی اوّل و دوّم، صاحب مستدرک الوسائل و شیخ مرتضی انصاری و... دیگر علمای شیعه می‌باشد.

منابع دعای شریف صنمی قریش

کهن‌ترین منبع معتبری که تا کنون برای این دعای شریف شناخته شده، کتاب «شرح الولاء فی شرح الدّعاء» می‌باشد.

مؤلف کتاب «شرح الولاء فی شرح الدّعاء»

شیخ ابو السّعدات اسعد بن عبد القاهر بن اسعد الاصفهانی ملقب بـ «سفرویه یا سفرویه» متوفی سال ۶۴۰ قمری هستند. ایشان دو شرح بر این دعای شریف نوشته‌اند که بحمدالله در سال‌های اخیر همراه با شرح و تحقیق شیخ قیس العطّار به چاپ رسیده و دو شرح شیخ اسعد و شرح الشّرحین شیخ قیس، همگی بالغ بر ۷۱۲ صفحه در قطع وزیری است.

جناب شیخ أسعد رحمته الله از شیوخ اجازات و استاد سیّد جلیل

علی بن طاووس رحمته الله بوده است و سید از ایشان اجازه نقل حدیث داشته و از او با عنوان «شیخ فاضل و حافظ» یاد می‌کند. صاحب وسائل الشیعة نیز از ایشان با تعبیر «عالم و فاضل و محقق» یاد نموده است. صاحب الذریعة می‌نویسد: وی از جلیل‌ترین‌های استادان سید ابن طاووس بوده است. مجلسی اوّل و دوم، شیخ کفعمی و سایرین، از او به علم و تحقیق یاد نموده‌اند و کسی وی را قدح نکرده است. علما و محدّثین شیعه، از کتاب‌های ایشان روایاتی را نقل کرده‌اند و سید بن طاووس، تمامی کتاب‌های حدیث و فقه و سایر علوم اسلامی را از طریق وی نقل می‌نماید.

اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش

جناب شیخ ابو السّعادات در صفحه ۵۸ مقدّمه شرح خود می‌نویسد: إعلم أنّ هذا الدّعاء من غوامض الأسرار و کرائم الأوراد لأمیر المؤمنین علی علیه السلام، یواظب علیه فی لیلہ و نهاره و فی أوقات أسحاره خلال أدعیة أوتاره.

و قد روي أنّ أمير المؤمنين عليّاً صلوات الله عليه دخل المسجد ذات ليلة، فظنّ أنّ المسجد خالٍ ليس فيه أحد و شرع في صلاة الليل و جهر في قراءة القرآن و ما كان له من الأوراد حتّى وصل الوتر. فلما ابتدأ بقراءة دعاء القنوت و فرغ، قرأ هذا الدعاء بصوت عال، ظناً بخلوّ المسجد و غيبة الناس عنه. فلما فرغ من صلاته و دعائه، جلس، فأحسّ بحضور إنسان، فقال: هل في المسجد أحد؟ فأجابه عبدالله بن العباس رحمهما الله، فقال: نعم، يا أمير المؤمنين مملوك.

فقال: هل معك غيرك؟ فقال: لا، ليس معنا ثالث. فقال: و هل سمعت دعاء الوتر و ما دعوت به؟ فقال: نعم. فقال: هل حفظته؟ فقال: نعم، حفظته يا أمير المؤمنين. فقال: فأحفظه فإنه من غوامض الأسرار، و لا يطلع عليه أحد إلّا عترتي و أهل بيتي. أما عهدي معك أن لا تظهر لأحد غير أهل، و كن به ضئيلاً. من دعا به من خالص اعتقاده، و صفاء نيّته، و صدق طويّته قضى الله له حاجاته بفضلِهِ و بركاتِهِ. و الدعاء هذا: اللهم العن صنمي فرّيش و ...

توجه کنید که امیرالمؤمنین در شب و روز و هنگام سحرگاه،

در دعا‌های وتر خود، بر خواندن این دعا مواظبت می‌نموده و به ابن عباس فرمودند: این دعا از غوامض اسرار و کرائم اوراد است و جز اهل‌بیت و عترت از آن آگاهی ندارند و عهد من با تو آن است که آن را جز نزد کسانی که اهل‌بیت آن را دارند (شیعیان حافظ اسرار)، فاش نکرده و از انجام این کار خودداری کنی. هرکس با باور پاک و صفای نیت و راستی‌اش این دعا را بخواند، خداوند به فضل و برکت‌هایش، خود حاجت‌های او را برایش روا کند.

اضافه بر محدّثین از علمای شیعه که اعتبار این دعای شریف نزد آنان از مسلمات است، فقهای شیعه نیز آن را اخذ به قبول نموده‌اند. از میان آنان شیخ انصاری صاحب کتاب فرائد الأصول و المکاسب است که کتاب‌ها و نظرات ایشان هنوز از کتاب‌های درسی رایج در حوزه‌های علمیّه است. ایشان در کتاب الصلّاة: جلد ۱ صفحه ۴۱۵ می‌نویسد: مضافاً إلی ورود بعض الأدعية المشتملة علی هذه الكلمة کدعاء صنمي قریش

الذي كان يقنت به أمير المؤمنين عليه السلام - اضافه بر آنکه برخی از دعاهاى وارد شده شامل اين كلمه است ، مانند دعاى صنمى قریشى که اميرالمؤمنين عليه السلام پیوسته بدان قنوت می فرمودند .

صحیح بودن روایات (سندهای) دعاى شریف صنمى قریش

شیخ اسعد می نویسد : لا شكّ بصحّة الروایات عن الرواة الثقات أنّ هذا الدعاء من أوراد أمير المؤمنين ، و امام المتّقين ، و وصيّ رسول ربّ العالمين ، و اولاده المنتجبين ، الأئمة المعصومين ، عليهم كرائم الصلوات ، و شرائف التّحيّات ، و هم على قرأته مواظبون ، و على تلاوته مداومون ، أوقات الأسحار ، فى أوراد الأوتار - بر صحیح بودن روایاتى (دقّت کنید که می نویسد : روایات) که از راویان ثقه و مورد اعتماد نقل شده تردیدی وجود ندارد ، مبنی بر اینکه این دعا از اوراد امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و جانشین فرستاده ی خدای جهانیان و فرزندان برگزیده او ، امامان معصوم - که گرامی ترین صلوات و شریف ترین درودها بر آنان باد - می باشد و ایشان بر

خواندن آن مواظبت می نمودند و بر تلاوت آن در هنگام سحرگاه، در ضمن دعاها و تر و نماز شب خود، مداومت می کردند (سپس شرح را آغاز کرده است).

ایشان تصریح دارد که این دعای شریف، دارای روایات و سندهایی چند از جانب افراد مورد اطمینان است. کمترین جمع در عربی، عدد سه می باشد که ایشان علاوه بر تأکید بر صحت آنها، اعلام می کند که در صحت سند آن روایات ها، جای هیچ تردیدی نیست.

شرح های دعای شریف صنمی قریش

در صفحه نهم از قسمت مقدمه محقق کتاب رشح الولاء، عنوان شرح های شناخته شده دعای شریف صنمی قریش را که از قرن هفتم شروع شده اند، با ذکر مأخذ (الذریعة و...) همراه با توضیح کامل، ۹ شرح یاد کرده که عبارتند از:

۱- دو شرح مبسوط و مختصر به نام رشح الولاء فی شرح الدّعاء، نگارش شیخ أبوالسّعدات أسعد بن عبدالقاهر می باشد

که کهن‌ترین شرحی است که به دست ما رسیده است.

۲- کتاب «شرح دعاء صنمي قریش» نگارش ملا علی عراقی که آن را در سال ۸۷۸ قمری نگاشته است.

۳- کتاب «شرح دعاء صنمي قریش» نگارش ملا عیسی‌خان اردبیلی که شرحی نیکوفایده بوده و آن را در سرزمین هند نگاشته است.

۴- «شرح دعاء صنمي قریش» نگارش یوسف بن حسین بن محمد نصیر طوسی اندرودی.

۵- «ذخر العالمین فی شرح دعاء الصنمین» نگارش ملا محمد مهدی بن مولی علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی، که به زبان فارسی نگاشته شده و در سال ۱۱۱۶ قمری نگارش آن پایان یافته است.

۶- «شرح دعاء صنمي قریش» که شرحی به زبان فارسی و در غایت گسترده‌گی بوده و نزد محدث میرزا عبدالرزاق همدانی

یافت شده است .

۷- «نسیم العیش فی شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میر سید علی بن مرتضی طیب موسوی دزفولی که نگارش آن را در ماه محرّم سال ۱۱۶۶ قمری به پایان رسانده است .

۸- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میرزا محمدعلی مدرّس چهاردهی نجفی .

۹- «ضیاء الخافقین فی شرح دعاء الصّنین» که ترجمه گونهٔ رشح الولاء است .

ما نیز به آن اضافه می‌کنیم :

۱۰- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا حبیب‌الله شریف کاشانی متوفی سال ۱۳۴۰ قمری .

به علاوه محدّثینی چون مجلسی اوّل در شرح من لا یحضره الفقیه عربی و فارسی ، مجلسی دوّم در بحارالأنوار و ... و سایر محدّثین از علما ، فقراتی از این دعای عظیم الشّان را

شرح نموده‌اند.

برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش

۱- کتاب فضائل اهل بیت رسول ﷺ و مناقب اولاد بتول ﷺ
نگارش عمادالدین حسن بن علی طبری و تصحیح رسول
جعفریان است. ایشان از علمای قرن هفتم و از معاصرین
خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلّی بوده است. وی در
جلد ۲ صفحه ۱۷۶ گوید: ... و اگر این راست بودی، علی
روایت ابن عباس امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام دعای: اللَّهُمَّ الْعَن
صنمی قریش نخواندی و ائمه از ایشان تَظَلَّم نزدندی چهاراً و
عیاناً.

۲- کتاب «دقائق التأویل و حقائق التّنزیل» به زبان فارسی،
نگاشته حسنی ابوالمکارم محمود بن محمد از علمای قرن هفتم
می‌باشد. ایشان در صفحه ۶۸ گوید: «جبت» و «طاغوت»
اشارتست به اکابر اهل باطل از منافقان صحابه، چنانکه
امیرالمؤمنین علیه السلام در دعا فرموده است: اللَّهُمَّ الْعَن صَنَمِي

قُرَيْشٍ وَجَبَّتِيهَا... و دعا را شرح کرده‌اند.

۳- «المحتضر» نوشته شیخ حسن بن سلیمان حلی از علمای قرن هشتم و از شاگردان فقیه شیعه شهید اوّل است. وی در صفحه ۷۱ حدیث ۹۳ می‌نویسد: و قد روي أن أمير المؤمنين عليه السلام قنت في صلاته بقوله: اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنْمِي قُرَيْشٍ وَجَبَّتِيهَا وَ... و به تحقیق روایت شده است که امیرالمؤمنین عليه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده‌اند.

هم‌چنین در صفحه ۱۱۱ حدیث ۱۳۹ می‌نویسد: و ممّا يدلّ علی ما قلناه من أنّهما كانا منافقين غير مؤمنين ما سمع من قنوت مولانا أمير المؤمنين عليه السلام وهو هذا: اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ] وَالْعَنْ صَنْمِي قُرَيْشٍ وَ... و از جمله چیزهایی که دلالت می‌کند بر آنچه گفتیم - مبنی بر اینکه آن دو (ابوبکر و عمر علیهما اللّٰعنة) منافق بوده و مؤمن نبودند - آن است که از قنوت نماز مولانا امیرالمؤمنین عليه السلام شنیده شد که فرمود: اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ] وَالْعَنْ صَنْمِي

فَرِيشٍ وَ... .

۵۴- کتاب «المصباح (جنة الأمان الواقية)» و کتاب «البلد الأمين» نگارش شیخ ابراهیم بن علیّ عاملی کفعمی متوفی سال ۹۰۵ قمری. ایشان در صفحه ۵۵۲ از کتاب المصباح می نویسد: ثم ادع بهذا الدعاء المروي عن عليّ عليه السلام: سپس دعا کن به این دعا که از حضرت علیّ علیه السلام روایت شده است: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْنِ صَنَمِي فَرِيشٍ وَ... .

۶- کتاب شریف «روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه» نگارش ملا محمدتقی مجلسی اوّل متوفی سال ۱۰۷۰ هجری در جلد ۵ صفحه ۲۴۲ می نویسد: كما كُنِّي عن العمرين في دعاء صلمي قريش بالجبّتين و الطاغوتين، بل الظاهر و الشائع من الأخبار عن الأئمة الأطهار سلام الله عليهم أنّ كلّما ورد في الآيات من الجبّ و الطاغوت و غيرهما فهم المراد منها و إنّ شئت التفصيل فلاحظ الكافي، و بصائر الدرجات، و المحاسن، و غيرها بل الظاهر من الأخبار أنّه لا تحصل الولاية إلّا بالبراءة منهم و من أتباعهم، و لهذا لم يرد دعاء يذكر فيه

الولاية إلّا و هي متّبعة بالبراءة فتدبّر - چنان که به کنیه از دو عمر (ابوبکر و عمر) در دعای صنمی قریش، دو جبت و دو طاغوت یاد شده است، بلکه از اخباری که از امامان اطهار - که درود خدا بر آنان باد - آشکار و مشهور است، این است که آنچه در آیات قرآن، سخن از جبت و طاغوت و غیر اینها شده، مقصود آنان هستند و اگر تفصیل بیشتر خواستی، کتاب‌های الکافی و بصائر الدّرجات و المحاسن و غیر آنها را ملاحظه نما. بلکه از احادیث آشکار است که ولایت، جز به بیزاری جستن از آنها (ابوبکر و عمر و ...) و پیروان آنها حاصل نمی‌شود و به همین جهت است که دعایی وارد نشده مگر اینکه به دنبال آن برائت نیز آمده است، بنابراین تدبّر نما.

۷- وی در کتاب شریف «لوامع صاحبقرانی» در شرح فارسی کتاب من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۲۳۸ می‌نویسد: و در

دعای صنمی قریش نیز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اشاره فرمود که: وَ دَبَابٍ دَخَرَجُوهَا.

در جلد ۸ صفحه ۵۹۰ گوید: و تسمیه ایشان به جیت و طاغوت ابتدا از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شد در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن می خواندند، و چون لفظ لات و عزّی مؤنّث است کنایه از آن دو ملعونه (عائشة و حفصة) است که نماز کسی تمام نشود تا در تعقیب آن نماز چهار مرد و چهار زن را لعنت نکند و آن: فلان (ابوبکر) و فلان (عمر) و فلان (عثمان) و معاویه است، و فلانه (عایشه) و فلانه (حفصه) و امّ الحکم خواهر معاویه و هند مادر آن ملعون است.

۸- کتاب شریف «الوافی» نگارش ملا محمد محسن فیض کاشانی متوفی سال ۱۰۹۱ قمری است. وی در جلد ۲ صفحه ۲۱۷ می نویسد: ...أراد بالصنمین الأولین كما في دعاء

صنمی قریش ... - (امام محمد باقر علیه السلام) با فرمایش خود از صَنَمَین (دو بت)، دو اوّلی (ابوبکر و عمر) را اراده نموده چنان که در دعای صنمی قریش است

۹- کتاب «علم الیقین فی اصول الدّین» نگارش ملامحسن فیض کاشانی. او در جلد ۳ صفحه ۸۳۰ فصل ۷ (تظلم مولانا امیر المؤمنین علیه السلام ...) می نویسد: و لیعلم أنّ تظلم مولانا امیر المؤمنین علیه السلام ممّن تقدّم، علیه کثیر فی کلامه و خطبه و دعواته، و سنذكر شيئاً من ذلك: فمنه ما رواه الكفعمي رحمته الله عن ابن عباس، عن علي عليه السلام: أنّه كان یقنت بهذا الدعاء فی صلاته و قال: إنّ الدّاعي به کالرّامي مع النّبي صلی الله علیه و آله فی بدر و احد و حنین بألف ألف سهم و هو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعْنِ صَنَمِي قُرَيْشٍ وَ ... - و باید دانست که به یقین مولای ما امیر مؤمنان علیه السلام از پیشینیان خود (ابوبکر و عمر و عثمان) در سخنان، خطبه ها و دعاها ی خود، تظلم می فرمود و به زودی برخی از آن را ذکر می کنیم: از جمله متنی است که

کفعمی رحمته الله آن را از ابن عباس از حضرت علی علیه السلام نقل کرده است که حضرت در نماز به آن قنوت می کردند و فرموده اند: همانا (ثواب) کسی که این دعا را بخواند مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر و احد و حنین، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب کرده باشد، و آن دعا این است: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ الْعَنْ صَنْمِي قُرَيْشٍ وَ ...**

۱۰- کتاب «قرّة العیون» تألیف ملا محسن فیض کاشانی نشر دار الکتاب الإسلامی است. وی در صفحه ۴۱۷ می نویسد: کلمة فیها اشارة الى ارتداد أكثر هذه الأمة بعد نبیها و السبب فی ذلك ... و قد أشار أمير المؤمنين علیه السلام إلى بعض منکراتهم فی دعاء صنمی قریش - سخنی در اشاره به ارتداد بیشتر این امت و سبب آن ... همانا امیر مؤمنان در دعای صنمی قریش به برخی از آن ها اشاره نموده است.

۱۱- کتاب «نوادر الأخبار» نوشته ملا محسن فیض کاشانی نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران. او در

صفحه ۱۸۴ می نویسد: باب إظهار مخالفتهم بعد وفاة النبي صلى الله عليه وآله وارتدادهم جهراً... وقد أشار أمير المؤمنين (عليه السلام) إلى بعضها في دعاء صنمي قریش - باب آشکار نمودن مخالفتشان با ولایت پس از وفات پیامبر صلى الله عليه وآله و ارتداد آشکار آنان... و به تحقیق امیرمؤمنان (عليه السلام) در دعای صنمی قریش به برخی از آنها اشاره نموده است.

۱۲- مرحوم علامه ملا محمد باقر مجلسی دوّم متوفی سال ۱۱۱۱ قمری. ایشان در دائرة المعارف عظیم شیعه بحار الأنوار جلد ۳۰ صفحه ۳۹۳ حدیث ۱۶۶ و ۱۶۷ می گوید: و دعاء صنمي قریش مشهور بين الشيعة، و رواه الكفعمي عن ابن عباس، أنّ أمير المؤمنين (عليه السلام) كان يقنت به في صلاته - و دعای صنمی قریش که در میان شیعیان مشهور است و کفعمی آن را از ابن عباس چنین نقل کرده که امیرالمؤمنین (عليه السلام) به آن دعا قنوت می کردند. سپس دعا را آورده است.

و در جلد ۳۱ صفحه ۶۳۱ حدیث ۱۳۳ می نویسد: سلف دعاء صنمی قریش الذي هو دعاء رفيع الشأن، عظيم المنزلة، رواه عبدالله ابن عباس عن عليّ عليه السلام أنه كان يقنت به، وقال: إِنَّ الدَّاعِيَ بِهِ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ - دعای صنمی قریش گذشت - که دعایی بلندمرتبه و عظیم المنزلة است - که عبدالله ابن عباس از حضرت علی عليه السلام آن را روایت کرده و این که حضرت پیوسته به آن قنوت می کرده و فرموده اند: همانا (ثواب) دعاکننده به این دعا چون کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در جنگ بدر و احد و حنین هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد.

۱۳ - «ترجمه فرحة الغری» علامه ملا محمد باقر مجلسی دؤم در صفحه 103 ب 6 گوید: و تسمیه به جبت و طاغوت ابتداء از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام شد در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن

می خواندند. (نام گذاری ابوبکر و عمر به «جبت» و «طاغوت» نخست از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام و آن هم در دعای صنمی قریش - که در قنوت و سجده نماز و ... می خوانده اند - صورت گرفت).

۱۴- کتاب «نور البراهین» نگاشته سید جلیل نعمة الله جزائری متوفی سال ۱۱۱۲ هجری نشر اسلامی قم است. ایشان در جلد ۲ صفحه ۳۴۴ چنین مرقوم فرموده است: هم أصنام قریش، كما يظهر من دعائه عليه السلام في دعاء صنمي قریش واللّعن عليهما - آنان (ابوبکر و عمر) بت های قریش اند، چنان که از دعای حضرت علی علیه السلام در دعای صنمی قریش و لعنت نمودن آن دو آشکار می شود.

۱۵- کتاب شهاب ثاقب تألیف ملا مهدی نراقی متوفی سال ۱۲۴۴ هجری، نشر کنگره بزرگداشت محققان نراقی در سال ۱۳۸۰ خورشیدی است. وی در صفحه ۲۹ می نویسد: و در دعای صنمی قریش که به حدّ یقین رسیده است که از کلام

معجز نظام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و عدول مشایخ شیعه به طرق معتبره، این دعا را از آن حضرت روایت کرده‌اند اشاره به این معنی شد و در آن دعا حضرت ابتدا فرموده که «اللَّهُمَّ اَلْعَن صَنْمَى قُرَيْشٍ وَ جَبْتَيْهَا وَ طَاغُوتَيْهَا...» یعنی: بار خدایا لعن کن بر دو صنم قریش و بر دو جبت و دو طاغوت قریش. بعد از آن به ازای عمل بدی که ایشان کرده‌اند، لعنی بر ایشان کرده است و آن اعمال را به تفصیل اسم برده از غضب خلافت و منع ارث، و منبر پیغمبر صلی الله علیه و آله را خالی کردن از وصیّ او و غیر ذلک از اعمال قبیحه ایشان تا آن‌که ایشان را لعن کرده به سبب بالا رفتن ایشان بر عقبه و انداختن دَبّاب بر پیش پای پیغمبر صلی الله علیه و آله، و اکثر فقرات آن دعا نصّ صریح است که مراد از صنمی قریش اول و ثانی‌اند و هر که ملاحظه فقرات آن را بکند می‌داند که حضرت امیر علیه السلام از ایشان چه در دل داشته (است).

۱۶- کتاب شریف «مستدرک الوسائل» نوشته میرزا حسین نوری طبرسی متوفی سال ۱۳۲۰ هجری چاپ موسسه آل الیبت علیه السلام است. وی در جلد ۴ صفحه ۴۰۵ حدیث ۸/۵۰۲۱ از کتاب «البلد الامین» و «جنة الامان» کفعمی از حضرت علی علیه السلام نقل نموده که حضرت به آن قنوت می کردند و فرموده اند: **اِنَّ الدَّاعِيَ بِهِ كَالرَّامِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَدْرٍ وَاحِدٍ بِأَلْفٍ أَلْفٍ سَهْمٍ**. برای دعا کننده به این دعا (ثواب) کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد.

۱۷- و میرزا حبیب الله خویی متوفی سال ۱۳۲۴ قمری در جلد ۱۴ صفحه ۳۹۷ «منهاج البراعة» در شرح بر نهج البلاغة می نویسد: ... **دَعَاؤُهُ الْمَعْرُوفُ بِدَعَاءِ صَنَمِي قَرِيشَ الَّذِي كَانَ يُوَاضِبُ عليه السلام عَلَيْهِ فِي قَنُوتِهِ وَ سَائِرِ أَوْقَاتِهِ، وَ قَدْ رَوَاهُ غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَدَّسَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ فِي مَوْثَفَاتِهِمْ، وَ أَحَبَبَتْ**

نقله هنا لكونه أنقض لظهر النّاصبين، و أرغم أنف المعاندين، و أبطل لزعم من توهمّ ثناء أمير المؤمنين لهذين الذين لا حريجة لهما في الدّين - ... دعای حضرت علی (علیه السلام) که معروف است به «دعای صنمی قریش» که در قنوت و سایر اوقات شان، به خواندن آن مواظبت می نمودند. و نه یک تن (شمار بسیاری) از اصحاب ما (شیعیان) قدّس الله ارواحهم در نوشته های خود آن را روایت نموده اند و من نیز دوست داشتم آن را در اینجا نقل نمایم زیرا آن بر ناصبیان کمرشکن تر، و بر ساییدن بینی دشمنان کاری تر است و برای ادّعای کسانی که توهمّ می کنند امیرالمؤمنین (علیه السلام) این دو تن را (عمر و ابوبکر) - که جایگاهی در دین ندارند - ثنا گفته است، باطل کننده تر است.

۱۸- کتاب «التعلیقة علی المکاسب» نگاشته سیّد مجاهد عبدالحسین لاری متوفی سال ۱۳۴۲ هجری چاپ مؤسسه المعارف الإسلامیة - قم است. وی در جلد ۱ صفحه ۲۳۲

می نویسد: بل کان علیّ علیه السّلام یقنت بلعن صنمی قریش
 فی کلّ غداة - بلکه حضرت علیّ علیه السلام در هر صبح گاه به دعای
 صنمی قریش قنوت می فرمود.

۱۹- کتاب گران سنگ دائرة المعارف فقه مأثور اهل بیت
 اطهار علیهم السلام «جامع أحادیث الشیعة» که به دستور و إشراف
 آیه الله بروجردی قدس سره گردآوری شده است، این دعای شریف
 را در جلد ۵ صفحه ۳۱۲ حدیث ۳۲۵۶ (۱۴) از مستدرک
 الوسائل آورده است.

۲۰- آیه الله مرعشی نجفی قدس سره در گنجینه ارزشمند «شرح
 إحقاق الحق» جلد ۱ صفحه ۳۳۷ می نویسد: ...کما أشار إلیه
 مولانا امیر المؤمنین علیّ علیه السلام، فی دعاء صنمی قریش، بقوله:
 اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنْمَى قُرَيْشٍ وَ... چنان که مولای ما امیر المؤمنین
 علی علیه السلام در دعای صنمی قریش به این موضوع اشاره نموده
 است به فرمایش خود: اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنْمَى قُرَيْشٍ وَ....
 علاوه بر تمام اینها، دعاهايي وجود دارند که در مضمون و

الفاظ با دعای شریف صنمی قریش شباهت بسیاری دارند.
 از جمله دعای ارزشمندی است که سید جلیل ابن طاووس رحمته الله
 در کتاب شریف مهج الدعوات از کتاب جامعی قدیمی تألیف
 محمد بن محمد بن عبد الله بن فاطر به سند متصل خود از
 شیخ صدوق و او به سند متصل خود از امام صادق علیه السلام نقل
 می‌کند که فرمود: مِنْ حَقِّنا عَلَى أَوْلِيائِنَا وَأَشْياعِنَا أَنْ لَا يَنْصَرِفَ
 الرَّجُلُ مِنْهُمْ مِنْ صَلَاتِهِ حَتَّى يَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَهُوَ - از جمله
 حقوق ما (اهل بیت) بر دوستان و شیعیانمان این است که از
 نماز خود فارغ نشوند جز آنکه این دعا را بخوانند:

دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَامَّةً دَائِمَةً، وَأَنْ تَدْخُلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمُحِبِّهِمْ، وَأَوْلِيَائِهِمْ، حَيْثُ كَانُوا، وَآيْنَ كَانُوا، فِي سَهْلٍ، أَوْ جَبَلٍ، أَوْ بَرٍّ، أَوْ بَحْرٍ، مِنْ بَرَكَاتِ دُعَائِي، مَا تُقَرُّ بِهِ عُيُونُهُمْ.

خدایا! از تو می‌خواهم به حقّ تو که بزرگ است بزرگ، که بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی، و بر آنان درودی جاودان بفرستی و اینکه از برکت دعای من بر محمد و آل محمد و دوست‌داران و پیروان ایشان، هر کجا که باشند، در همواری یا کوهستان یا بیابان یا دریا، چیزی را داخل کنی که چشمان ایشان به سبب آن روشن شود.

إِحْفَظْ يَا مَوْلَايَ الْغَائِبِينَ مِنْهُمْ، وَارْذُدْهُمْ إِلَى أَهَالِيهِمْ
 سَالِمِينَ، وَنَفْسٌ عَنِ الْمَهْمُومِينَ، وَفَرَجٌ عَنِ
 الْمَكْرُوبِينَ، وَأكْسُ الْعَارِينَ، وَاشْبِعِ الْجَائِعِينَ، وَارْوِ
 الظَّامِّينَ، وَاقْضِ دَيْنَ الْغَارِمِينَ، وَزَوِّجِ الْعَازِبِينَ، وَ
 اشْفِ مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ، وَادْخُلْ عَلَى الْأَمْوَاتِ مَا تَقَرُّ
 بِهِ عُيُونُهُمْ، وَانصُرِ الْمَظْلُومِينَ مِنْ أَوْلِيَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَاطْفِئْ نَارَ الْمُخَالِفِينَ.

ای مولای من! غایبان ایشان را نگهبانی کن و آنان را سلامت به خانواده‌هایشان بازگردان. و (غم را) از غمگینان و (اندوه را) از اندوهناکان زایل کن. برهنه‌ها را پیوشان و گرسنه‌ها را سیر گردان و تشنگان را سیراب فرما و قرض‌داران را ادا کن و عزبان را کدخدا کن و بیماران مسلمانان را شفا ده و بر مردگان آن چیزی را وارد گردان که به سبب آن دیدگان ایشان روشن شود و ستم‌دیدگان از پیروان آل محمد علیهم السّلام را یاری کن و آتش (دشمنی) مخالفین را خاموش فرما.

اللَّهُمَّ وَ ضَاعِفْ لَعَنَتَكَ، وَ بَأْسَكَ، وَ نَكَالَكَ،
 وَ عَذَابَكَ، عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا نِعْمَتَكَ، وَ خَوَّنَا رَسُولَكَ،
 وَ اتَّهَمَا نَبِيَّكَ، وَ بَايَنَاهُ، وَ حَلَّا عَقْدَهُ فِي وَصِيِّهِ، وَ نَبَذَا
 عَهْدَهُ فِي خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ ادَّعَيَْا مَقَامَهُ، وَ غَيَّرَا
 أَحْكَامَهُ، وَ بَدَّلَا سُنَّتَهُ، وَ قَلَّبَا دِينَهُ، وَ صَغَّرَا قَدْرَ
 حُجَجِكَ، وَ بَدَّءَا بِظُلْمِهِمْ، وَ طَرَّقَا طَرِيقَ الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ،
 وَ الْخِلَافِ عَنْ أَمْرِهِمْ، وَ الْقَتْلِ لَهُمْ، وَ ارْهَاجِ الْحُرُوبِ
 عَلَيْهِمْ، وَ مَنَعَ خَلِيفَتِكَ مِنْ سَدِّ الثَّلَمِ، وَ تَقْوِيمِ الْعُوجِ،
 وَ تَثْقِيفِ الْأَوْدِ، وَ إِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ، وَ إِظْهَارِ دِينَ
 الْإِسْلَامِ، وَ إِقَامَةِ حُدُودِ الْقُرْآنِ.

خداوند! لعنت، شکنجه و عذابت را برای آن دو نفر
دوچندان کن که نعمت تو را انکار و به پیامبرت خیانت کرده
و تهمت زدند و او را دور و پیمان بسته شده او درباره
وصیّ اش را شکستند و پس از او پیمانش را درباره
جانشینش گسسته و جایگاه او را (برای خود) ادّعا نمودند.
احکام و سنّت او را تغییر، دین او را واژگون و ارزش
حجّت های تو را کوچک شمردند و آغازگر ستم به ایشان
بودند و رهسپار مسیر نیرنگ بر ایشان شدند، مخالفت با
دستور ایشان، کشتنشان و آتش افروزی جنگ ها علیه ایشان
و بازداشتن جانشین تو از اینکه شکاف های دین را ببندد و
کژی ها را راست کرده و ناهماهنگی ها را هموار و احکام را
جاری و دین اسلام را آشکار سازد و حدهای قرآن را بر پا
دارد.

اللَّهُمَّ اَلْغَنَّهُمَا، وَ اِبْتَتِيَهُمَا، وَ كُلَّ مَنْ مَالٍ مَيْلَهُمْ،
وَ حَذَا حَذُوهُمْ، وَ سَلَكَ طَرِيقَتَهُمْ، وَ تَصَدَّرَ بِيَدْعَتِهِمْ،
لَعْنًا لَا يَخْطُرُ عَلَى بَالٍ، وَ يَسْتَعِيدُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ.

خدایا! آن دو نفر و دو دختر آنان را لعنت کن. و نیز لعنت کن
تمام کسانی را که به انحراف آنان، گرایش کرده باشند و
مانند پیروی آنها پیروی کرده و راه آنان را رهروی کرده
باشند و بدعت آنان را پیش انداخته باشند، چنان لعنتی که بر
خاطر هیچ کس نگذرد و اهل آتش از آن پناه جویند.

إِلْعَنِ اللَّهُمَّ مَنْ دَانَ بِقَوْلِهِمْ، وَاتَّبَعَ أَمْرَهُمْ، وَدَعَا إِلَى
وَلَايَتِهِمْ، وَشَكَّ فِي كُفْرِهِمْ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

خدایا لعنت کن هر کس که گفتار ایشان را اطاعت کرده و
فرمان آنها را پیروی کرده باشد و مردم را به دوستی آنها فرا
خوانده و در کفر آنها شک داشته باشد، از پیشینیان و
پسینیان.

ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ^۱ - سپس دعا کن به هرچه خواهی.

۱- بحار الأنوار: جلد ۳۰ صفحه ۳۹۵ باب ۲۰ حدیث ۱۶۹ و جلد ۸۳

صفحه ۵۹ حدیث ۶۷ از کتاب شریف مهج الدعوات: صفحه ۳۳۳.

همچنین از جمله دعاها یی که محتوای شبیه به دعای صنمی قریش دارد، دعایی از امام رضا علیه السلام است که حضرت فرموده اند: ^۱ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ (في بَدْرٍ وَ أَحَدٍ وَ حُنَيْنٍ بِأَلْفِ أَلْفٍ سَهْمٍ) ^۲. قالوا: قلنا: فنكتبه؟ قال: اكتبوا إذا أنتمما سجدتُمَا سَجْدَةَ

۱- مهج الدعوات: و من ذلك دعاء آخر لمولانا الرضا عليه السلام في سجدة الشكر رويانه بإسنادنا إلى سعد بن عبد الله في كتاب فضل الدعاء، و قال أبو جعفر: عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن الرضا، و بكير بن صالح، عن سليمان بن جعفر، عن الرضا عليه السلام، قالوا: دخلنا عليه و هو ساجد في سجدة الشكر فأطال في سجوده ثم رفع رأسه فقلنا له: أطلت السجود؟ فقال: مهج الدعوات: ۲۵۷. سایر منابع: المصباح كفعمي: صفحه ۵۵۳ فصل ۴۴ از مهج الدعوات، بحار الأنوار: جلد ۸۳ صفحه ۲۲۳ باب ۴۴ حدیث ۴۴ از مهج الدعوات و جلد ۳۰ صفحه ۳۹۳ باب ۲۰ حدیث ۱۶۶ و ۱۶۷ از مهج الدعوات و المصباح، مستدرک الوسائل: جلد ۵ صفحه ۱۳۹ باب ۵ حدیث ۵۵۱۶-۱۳ و حدیث ۵۵۱۷-۱۴ از مهج الدعوات و البلد الأمين.

۲- المصباح.

الشُّكْرِ فَتَقُولَا: هر کس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند
مانند کسی است که در جنگ بدر و احد و حنین با هزار هزار
تیر پیامبر خدا ﷺ را همراهی کرده باشد. (راویان گویند):
عرض کردیم: دعا را بنویسیم؟ حضرت فرمود: بنویسید.
چون سجده شکر به جا می‌آورید، بگویید:

دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ، وَغَيَّرَا نِعْمَتَكَ، وَاتَّهَمَا
رَسُولَكَ^۱، وَخَالَفَا مِلَّتَكَ، وَصَدَّاعَنْ سَبِيلِكَ، وَكَفَرَا
آلَاءَكَ، وَرَدَّاعَلَيْكَ كَلَامَكَ، وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ،
وَقَتَّلَا ابْنَ نَبِيِّكَ، وَحَرَّفَا كِتَابَكَ، وَجَحَدَا آيَاتِكَ،
وَسَخَرَا بِآيَاتِكَ، وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ، وَقَتَّلَا
أَوْلِيَاءَكَ، وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ،
وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ
وَالسَّلَامُ)^۲.

۱- المصباح: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۲- البحار.

خدایا! لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را تغییر داده و نعمت تو را دگرگون کردند (به کیفر و عذاب تبدیل کردند) و به پیامبرت تهمت زدند و با آیین تو مخالفت کرده و (مردم را) از (رهروی) راه تو بازداشتند. نسبت به نعمت‌های تو کفر ورزیده و سخن تو را بر تو بازگرداندند پیامبرت را ریش‌خند کردند و فرزند پیامبرت را کشتند. کتاب تو را تحریف کردند و آیات تو را تکذیب و انکار کردند و استهزا نمودند و نشانه‌های تو را به ریش‌خند گرفتند و نسبت به پرستش تو تکبر ورزیدند. اولیاء تو را کشتند و در جایگاهی نشستند که سزاوار آنان نبود و مردم را بر دوش‌های آل محمد علیهم الصلوات و السلام سوار کردند.

اللَّهُمَّ الْغَنَّهُمَا لَغْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا، وَاحْشُرْهُمَا
وَاتَّبَاعُهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ
بِاللَّعْنَةِ لَهُمَا^١، وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
اللَّهُمَّ ائْتِنَا قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
وَابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ^٢، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
سَلَّمَ.

١- البحار ١: عَلَيْهِمَا.

٢- المصباح: بِنْتِ رَسُولِكَ.

خداوندا! آن دو شخص را لعنت کن، لعنتی پی در پی، و آنان
و پیروان آنان را به سوی جهنّم روان کن در حالی که کور
باشند. خدایا! همانا ما به درگاه تو تقرّب می‌جوییم به سبب و
وسیلهٔ لعنت فرستادن بر آن دو و بیزاری جستن از ایشان در
دنیا و آخرت. خداوندا! برکشندهٔ امیرالمؤمنین لعنت فرست
و کشندهٔ امام حسین، پسر علی و فاطمه دختر رسول الله ﷺ را
لعنت کن.

اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَاباً فَوْقَ عَذَابٍ^۱، وَ هَوَاناً فَوْقَ هَوَانٍ،
وَذُلّاً فَوْقَ ذُلٍّ، وَ خِزْياً فَوْقَ خِزْيٍ. اللَّهُمَّ دُعَّاهُمَا فِي
النَّارِ^۲ دَعَاً، وَ أَرْكِسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْساً. اللَّهُمَّ
أَحْشَرْهُمَا وَ أَتْبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا.

خداوندابر عذاب، خواری، خفت و رسوایی آنان، عذاب،
خواری، خفت و رسوایی دیگری بیفزای. خدایا! آنان را به
سختی ویژه‌ای در آتش رانده و در عذاب دردناکت، به شدت
سرنگون فرما. خداوندای! آن دو و پیروان آنان را دسته‌جمعی
به سوی جهنم روان فرما.

۱- البحار: الْعَذَابِ.

۲- البحار: إِلَى النَّارِ.

اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَ شَتِّ أَمْرَهُمْ، وَ خَالَفْ بَيْنَ
 كَلِمَتِهِمْ، وَ بَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ، وَ الْعَنْ أَيْمَتَهُمْ، وَ اقْتُلْ
 قَادَتَهُمْ، وَ سَادَتَهُمْ، وَ كُبْرَاءَهُمْ، وَ الْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ،
 وَ اكْسِرْ رَايَتَهُمْ، وَ أَلْقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ، وَ لَا تُبْقِ مِنْهُمْ
 دَيَّارًا.

خداوندا! جمع آنها را پراکنده و کار ایشان را از هم گسیخته
 گردان. اتحاد آنها را از بین ببر. جماعت آنها را متفرق و
 پیشوایان آنها را لعنت کن. سرکردگان، برگزیدگان و بزرگان
 آنها را بکش و سران آنها را لعنت کن و شکوه پرچم آنان را
 بشکن. اندوه و سختی را میان آنها قرار بده و یک نفر از
 آنها را باقی نگذار.

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا جَهْلٍ وَ الْوَلِيدَ، لُعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا،
وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لُعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ
مَلَكٍ مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ
قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لُعْنًا يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ مِنْهُ
وَمِنْ عَذَابِهِمَا. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لُعْنًا لَمْ يَخْطُرْ^١ لِأَحَدٍ بِبَالٍ.
اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِيرٍ سِرِّكَ، وَظَاهِرٍ عَلَانِيَتِكَ،
وَعَذِبُهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ (وَفَوْقَ التَّقْدِيرِ)^٢، وَ
شَارِكُ مَعَهُمَا ابْتِئَانِهِمَا، وَأَشْيَاعُهُمَا، وَمُحِبِّيهِمَا، وَمَنْ
شَايَعَهُمَا، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.

١- البحار: لَا يَخْطُرُ.

٢- المصباح.

خداوندا! ابو جهل و ولید را لعنت کن، لعنتی متداوم و پی در پی. خداوندا! آن دو نفر را لعنت کن لعنتی که به سبب آن، هر فرشتهٔ مقرب و هر پیامبر فرستاده شده و هر مؤمنی که قلبش برای ایمان مورد سنجش قرار گرفته است، آن دو نفر را لعنت کند. خدایا! آن دو را به لعنتی لعنت کن که اهل آتش از آن و از عذاب آن دو پناه می جویند. خدایا! آن دو را به لعنتی لعنت کن که به خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد. خداوندا! آن دو را در پنهانی راز خود و در عیانی آشکار خود لعنت کن و آنها را به عذابی معذب فرما که در تقدیر (و بلکه فراتر از تقدیر) است. و با آنان شریک گردان دختران، پیروان و دوست داران ایشان و نیز هر کسی را که از آنان پیروی کرد. همانا تو شنوندهٔ دعا هستی.

بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از

مولی الموحّدين امير المؤمنين عليه السلام

این متن بنابر نقل کتاب رشح الولاء بوده و عبارتهای
اختلافی آن با سایر منابع دعا، در [] آورده می شود.

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ).

اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنْمِيَّ قُرَيْشٍ، وَجَبْتَيْهَا، وَطَاغُوتَيْهَا،
وَإِفْكَيْهَا، وَابْنَتَيْهِمَا اللَّذَيْنِ خَالَفَا أَمْرَكَ، وَانْكَرَا
وَحْيَكَ، وَجَحَدَا إِنْعَامَكَ [آلَاءَكَ]، وَعَصَيَا رَسُولَكَ،
وَقَلَّبَا دِينَكَ، وَحَرَّفَا كِتَابَكَ، وَعَظَّلَا أَحْكَامَكَ، وَأَبْطَلَا
فَرَائِضَكَ، وَالْحَدَا فِي آيَاتِكَ، وَعَادَيَا أَوْلِيَاءَكَ،
وَ أَحَبَّا [وَأَلِيَا] أَعْدَاءَكَ، وَخَرَّبَا بِلَادَكَ، وَ أَفْسَدَا
عِبَادَكَ.

(خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست).

خدایا! لعنت کن دو بت قریش را و دو افسون‌گر متجاوز و دروغ‌گوی آن (ابوبکر و عمر) و دختران آنها (عایشه و حفصه) را. آن دو که با امر تو مخالفت کرده، وحی تو را انکار و نعمت‌هایت را که بخشیده بودی، انکار و تکذیب کردند. و پیامبرت را نافرمانی کردند و دین تو را (از حق به باطل) وارونه ساختند و کتاب تو را تحریف نمودند. احکام تو را وانهادند و آنچه واجب نمودی باطل کردند. و به آیات تو کفر ورزیده و با اولیای دشمنی کردند، دشمنانت را دوست [سرپرست] گرفتند و شهرهای (دین) تو را ویران و بندگان را تباه کردند.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا، [وَأَنْصَارَهُمَا]، وَاتَّبَاعَهُمَا،
 وَأَوْلِيَاءَهُمَا، وَأَشْيَاعَهُمَا، وَمُحِبِّيهِمَا. فَقَدْ أَخْرَبَا بَيْتَ
 النَّبُوءَةِ، وَرَدَمَا بَابَهُ، وَنَقَضَا سَقْفَهُ، وَالْحَقَّ سَمَاءَهُ
 بِأَرْضِهِ، وَعَالِيَهُ بِسَافِلِهِ، وَظَاهِرَهُ بِبَاطِنِهِ،
 وَاسْتَأْصَلَا أَهْلَهُ، وَأَبَادَا أَنْصَارَهُ، وَقَتَلَا أَطْفَالَهُ،
 وَأَخْلَيَا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ، وَوَارِثِ عِلْمِهِ [وَارِثِهِ]،
 وَجَحَدَا إِمَامَتَهُ [نُبُوتَهُ]، وَأَشْرَكَا بِرَبِّهِمَا، فَعَظَّمْ
 ذَنْبَهُمَا، وَخَلَّدَهُمَا فِي سَقَرٍ، ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ
 لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ﴾.

خدايا! لعنت کن آن دو (ابوبکر و عمر) و [یاران] و پیروان،
و سرپرست گیرندگان و رهروان و دوست‌داران آن دو را. به
تحقیق خانه ی نبوّت را ویران کرده و درب آن را بستند
و بامش را ویران و آسمان و زمین آن و زیر و زبر و آشکار
و نهان آن خانه را به هم پیوند داده و اهل آن را ریشه‌کن
و یارانش را نابود کردند و کودکانش را کشتند و منبرش را از
جانشین و وارث علمش [وارثش] خالی کرده و امامت [نبوّت]
او را انکار کردند و به پروردگارشان شرک ورزیدند. پس
گناهشان را بزرگ بشمار و در «سَقَر» جاودانشان فرما. (که
فرمودی): و تو چه می‌دانی «سَقَر» چیست ﷻ (آتشی که) نه
چیزی باقی و نه کسی را رها کند.

اللَّهُمَّ الْغَنَّهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ أَتَوْهُ، وَحَقِّ أَخَفَوْهُ،
 وَ مِنْبَرٍ عَلَوْهُ، وَ مُؤْمِنٍ أَرْجَوْهُ [آذَوْهُ]، وَ مُنَافِقٍ وَلَّوهُ،
 وَ وَلِيٍّ آذَوْهُ، وَ طَرِيدٍ آوَوْهُ، وَ صَادِقٍ طَرَدُوهُ، وَ كَافِرٍ
 نَصَرُوهُ، وَ إِمَامٍ قَهَرُوهُ، وَ فَرَضٍ غَيَّرُوهُ، وَ أَثَرَ
 أَنْكَرُوهُ، وَ شَرًّا أَثَرُوهُ [أَضَمَرُوهُ]، وَ دَمٍ أَرَأَوْهُ،
 وَ أَمْرٍ (خَبَرَ) [خَيْرٍ] بَدَّلُوهُ، وَ كُفْرٍ نَصَبُوهُ [أَبْدَعُوهُ]،
 وَ حُكْمٍ قَلَبُوهُ [قَلَّبُوهُ]، [وَ كِذْبٍ دَلَّسُوهُ]، (وَ ظَلَمٍ
 نَشَرُوهُ).

خدایا! ایشان را لعنت کن به تعداد تمام کارهای ناپسندی که آوردند و هر حقّی که نهان داشتند و هر منبری که (به ناحق) بالا رفتند و هر مؤمن که وانهادند [آزردند] و هر منافقی که او را ولایت دادند و هر ولیّ‌ای که آزردند و هر رانده‌شده‌ای که بازگردانده و هر راستگویی که راندند و هر کافری که یاری کرده و هر امامی که ناکام و خوار کردند و هر واجبی که تغییر دادند و هر اثری که انکار نمودند (درباره‌ی آن خود را به بی‌اطلاعی زدند) و هر شرّی که اختیار [پنهان] کردند و هر خونی که (به ناحق) ریختند و هر [خبر - خیری] که تغییر و هر کفری که قرار دادند [ایجاد کردند] و هر حکمی که وارونه کردند [و هر دروغی که حقیقتش را نهان کرده] (و هر ستمی که گسترده‌اند)،

وَارْثٍ غَصْبُوهُ، وَفَيْءٍ اقْتَطَعُوهُ، وَسُخْتٍ أَكَلُوهُ،
وَحُمْسٍ اسْتَحْلَوْهُ، وَبَاطِلٍ أَسَّسُوهُ، وَجَوْرٍ بَسَطُوهُ،
وَنِفَاقٍ أَسْرُوهُ، وَغَدْرٍ اضْمَرُّوهُ، وَظُلْمٍ [ظَلَّ] نَشَرُوهُ،
وَوَعْدٍ أَخْلَفُوهُ، وَأَمَانٍ خَانُوهُ، (وَإِمَامٍ حَارَبُوهُ)،
وَعَهْدٍ نَقَضُوهُ، وَحَالَالٍ حَرَّمُوهُ، وَحَرَامٍ أَحَلُّوهُ
[حَلَّلُوهُ]، [وَنِفَاقٍ أَسْرُوهُ، وَغَدْرٍ اضْمَرُّوهُ]،
وَبَطْنٍ فَتَقُوهُ، وَجَنِينٍ أَسْقَطُوهُ، وَضِلْعٍ دَقُّوهُ
[كَسَرُوهُ]، وَصَكٍّ مَزَقُّوهُ، وَشَمْلٍ بَدَّدُوهُ، وَعَزِيزٍ
أَذَلُّوهُ، وَذَلِيلٍ أَعَزُّوهُ، وَحَقٍّ مَنَعُوهُ، (وَإِمَامٍ خَالَفُوهُ).

و ارثی که به ناحق تصرف کردند و سهمی که از صاحبش منع و هر مال حرامی که خوردند و سهم خمسی که (برای خود) حلال شمردند و هر باطلی که بنا کرده و هر ستم که گسترده کردند و هر نفاقی که نهان کرده و هر حيله که پنهان کردند. و هر ظلم [تاریکی] که گسترده کرده و هر وعده که وفا نکرده و هر امانت که بدان خیانت کردند هر امامی که با او جنگیدند و هر پیمان که شکستند و هر حلالی که حرام و هر حرامی که حلال کردند [و هر نفاقی که پنهان و هر نیرنگ که نهان کردند] و شکمی که پاره کردند و جنینی که او را سقط کردند و پهلویی که شکستند و سندی که پاره کردند و جمعی که پراکنده کردند و عزیزی که خوار نمودند و ذلیلی که عزیزش کردند. و حقّی که آن را (از صاحبش) بازداشته و امامی که با او مخالفت کردند.

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ بَعْدَ كُلِّ [بِكُلِّ] آيَةٍ حَرَّفُوهَا، وَفَرِيضَةٍ
 تَرَكَوْهَا، وَسُنَّةٍ غَيْرُوهَا، وَأَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا، وَرُسُومٍ
 قَطَعُوهَا [مَنْعُوهَا]، وَآيْمَانٍ جَحَدُوهَا، وَوَصِيَّةٍ
 ضَيَّعُوهَا، وَبَيْعَةٍ نَكَّثُوهَا، [وَ أَرْحَامٍ قَطَعُوهَا]، وَشَهَادَةٍ
 كَتَمُوهَا، وَدَعْوَى أَبْطَلُوهَا، وَبَيِّنَةٍ أَنْكَرُوهَا وَحِيلَةٍ
 أَحْدَثُوهَا، وَخِيَانَةٍ أَوْرَدُوهَا، وَآمَانَةٍ خَانُوهَا، وَعَقَبَةٍ
 ارْتَقَوْهَا، وَدِيَابٍ دَخَرَجُوهَا، وَآزْيَافٍ لَزَمُوهَا.

خدايا! آن دو را به تعداد تمام آیاتی که تحریف کردند لعنت کن و به تعداد تمام واجب‌هایی که ترک کردند و سنت‌هایی که تغییر داده و احکامی که کنار نهادند و سهم‌هایی که از صاحبش بازداشتند و پیمان‌هایی که تکذیب و انکار کردند و وصیّتی که آن را تباه ساختند (نادیده گرفتند و بدان عمل نکردند). و بیعتی که شکستند [و ارحامی که قطع کردند] و شهادت‌هایی که پنهان داشتند و ادّعاهای حقّی که باطل کرده و دلایل آشکاری که انکار کردند و هر تصرّفی که (حقّ انجام آن را نداشتند امّا به ناحق) انجام دادند. و خیانت‌هایی که مرتکب شده و امانت‌هایی که به آن خیانت کردند. و گردنه‌هایی که (برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله) از آن‌ها بالا رفتند. و پیمان‌هایی که وارونه کرده و نیرنگ‌هایی که بدان ملتزم بودند.

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسِرٍّ [مَكْنُونٍ] السَّرِّ، وَظَاهِرِ
 الْعَلَانِيَةِ لَعْنًا كَثِيرًا أَبَدًا، دَائِمًا دَائِبًا سَرْمَدًا، لَا انْقِطَاعَ
 لِأَبَدِهِ (لِعَدَدِهِ)، وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ (لِأَمَدِهِ)، لَعْنًا لَا يَعُودُ
 (يَعْدُو) أَوَّلُهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ (لَا يَرُوحُ) آخِرُهُ، لَهُمْ،
 وَلِأَنْصَارِهِمْ، وَأَعْوَانِهِمْ، وَمُحِبِّيهِمْ، وَمَوَالِيهِمْ،
 وَالْمُسَلِّمِينَ لَهُمْ، وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ، وَالنَّاهِضِينَ
 بِأَجْنَحَتِهِمْ (بِاحْتِجَاجِهِمْ)، وَالْمُعْتَقِدِينَ بِمَوَدَّتِهِمْ،
 [وَالْمُعْتَدِّينَ بِهِدْيِهِمْ]، وَالْمُصَدِّقِينَ بِإِجَابَتِهِمْ،
 (وَالْمُعْتَدِّينَ بِكَلَامِهِمْ — بِمَوَدَّتِهِمْ) وَالْمُصَدِّقِينَ
 بِأَحْكَامِهِمْ، [وَالْمُقْتَدِّينَ بِكَلَامِهِمْ].

خداوندا! آنان را لعنت کن در پنهانی راز و در آشکاری عیان. لعنتی بسیار زیاد، همیشگی، پیوسته، پیایی و جاوید. که نه زمان آن تمام شود و نه تعدادش. لعنتی که ابتدای آن بازنگردد (بامداد باشد) و پایان آن، به انجام نرسد. که برای آنان باشد و برای یاران و یاوران، دوستداران و پیروان آنان، و برای کسانی که در برابر ایشان، تسلیم هستند و آنان که به سوی ایشان، مایل هستند. و برای کسانی که به یاری (و دلالت) آنان به پا خواسته و کسانی که دوستی آنان را باور دارند [و کسانی که کاملاً رهروی آنان هستند] و کسانی که اجابت کردن آنان را تصدیق می کنند و کسانی که (کلام - دوستی) آنان را باور دارند و کسانی که احکام (باطل) آنان را تصدیق می کنند [و آنان که از کلام ایشان، پیروی می کنند].

سپس چهار مرتبه می‌گوید:

اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا (اَلِيْمًا) يَسْتَعِيْثُ مِنْهُ اَهْلُ النَّارِ (فِي النَّارِ).

بارها! آنان را به عذابی (دردناک) معذب فرما، که اهل آتش (در آتش) از آن امان می‌خواهند.
 آمین رَبَّ الْعَالَمینَ.

ملتمس دعا

عبدالزّهراء (علیها السلام) حیدر
 و السّلام علی من اتّبع الهدی

کتاب نامه

- قرآن کریم ، الله تبارک و تعالی .
- أعلام النساء ، عمر رضا کحّالة .
- أعیان الشیعة ، سید محسن امین عاملی .
- أنساب الأشراف ، بلاذری .
- إختیار معرفة الرجال ، محمد بن عمر کشّی .
- الدّرّ النّظیم ، ابن حاتم عاملی .
- الصّراط المستقیم ، علی بن یونس نباطی بیاضی .
- الشّافی فی الإمامة ، سیّد مرتضی علم الهدی .
- النّصّ علی أميرالمؤمنین علیه السلام ، سید علی عاشور .
- السّقیفة و فدک ، جوهری .
- الإمامة و السیاسة ، ابن قتیبة دینوری .

الرّسائل السّيّاسيّة، جاحظ .

البلد الأمين، شيخ ابراهيم بن عليّ عاملي كفعمي .

التعليقة على المكاسب، سيّد مجاهد عبدالحسين لاري .

الذريعة، شيخ آقابزرگ تهراني .

الغدير، علامه شيخ عبد الحسين اميني .

الغيبة، شيخ ابو جعفر محمّد طوسي .

الكافي، ابو جعفر محمّد بن يعقوب كليني .

المحاسن، احمد بن محمّد بن خالد برقي .

المحتضر، شيخ حسن بن سليمان حلّي .

المصباح، شيخ ابراهيم بن عليّ عاملي كفعمي .

الوافي، ملا محمّد محسن فيض كاشاني .

الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام، عبد الزّهراء مهدي .

بحار الأنوار، ملا محمّد باقر مجلسي دوم .

- بشارة المصطفى ، عماد الدين طبرى .
- بصائر الدرجات ، محمد بن حسن صفار .
- تأويل الآيات الظاهرة ، سيد شرف الدين حسيني استرآبادى .
- ترجمه فرحة الغرى ، علامه ملا محمد باقر مجلسى دوم .
- تفسير ، على بن ابراهيم قمى .
- تفسير ، محمد بن مسعود عياشى .
- تقريب المعارف ، شيخ ابو صلاح حلبى .
- تلخيص الشافى ، شيخ محمد بن حسن طوسى .
- جامع أحاديث الشيعة ، به إشراف آية الله بروجردى قدس سره .
- دقائق التأويل و حقائق التنزيل ، حسنى ابوالمكارم محمود بن محمد .
- دلائل الإمامة ، محمد بن جرير طبرى شيعى .

رشد الولاء في شرح الدعاء ، شيخ ابو السّادات اسعد بن عبد
قاهر بن اسعد اصفهاني .

روضة المتّقين ، ملا محمّد تقى مجلسى اوّل .

شاخه طوبى ، ميرزا حسين نورى طبرسى .

شرح إحقاق الحق ، آية الله مرعشى نجفى قدس سره .

شرح نهج البلاغة ، ابن أبى الحديد .

شهاب ثاقب ، ملا مهدي نراقى .

علم اليقين في اصول الدين ، ملا محمّد محسن فيض كاشانى .

عوالم العلوم ، شيخ عبد الله بخرانى اصفهاني .

فضائل اهل بيت رسول الله ﷺ و مناقب اولاد بتول ﷺ ،

عماد الدين حسن بن على طبرى .

قرّة العيون ، ملا محمّد محسن فيض كاشانى .

كتاب الأربعين ، ملا محمّد طاهر قمى .

كتاب الصلاة، شيخ انصارى .

لوامع صاحبقرانى، ملا محمد تقى مجلسى اوّل .

مأساة الزهراء عليها السلام، سيّد جعفر مرتضى عاملى .

مجمع النورين، شيخ أبوالحسن مرندى .

مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نورى طبرسى .

مشكاة الأنوار، ابوالفضل على بن حسن طبرسى .

مناقب آل أبى طالب عليه السلام، محمد بن شهر آشوب مازندرانى .

مناقب أهل البيت عليه السلام، مولى حيدر شيروانى .

موسوعة شهادة المعصومين عليه السلام، مؤسسه امام محمد

باقر عيسى .

منهاج البراعة، ميرزا حبيب الله خويى .

مہج الدعوات، سيّد على بن طاووس .

-
- نوادر الأخبار، ملا محمد محسن فيض كاشاني .
نور البراهين، سيد جليل نعمة الله جزائري .
وسائل الشيعة، محمد بن حسن حرّ عاملي .

فهرست مطالب

- پیشگفتار: تبرّی و لعن از دیدگاه قرآن و عترت..... ۳
- بخش اول: وجوب برائت..... ۱۳
- بیزاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام از توحید است..... ۱۳
- ابوبکر و عمر کافرند و... ۱۳
- ولیّ معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می‌کند..... ۱۵
- کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت علیهم السلام، موجب لعنت خداست..... ۱۶
- جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟..... ۱۶
- ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغی و آنچه حرام است..... ۱۸
- آزاردهندگان فاطمه، آزاردهندگان خدا و رسول‌اند..... ۲۱
- لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول..... ۲۳
- اعتراف عمر به جنایات..... ۲۴
- نفیرین حضرت فاطمه علیها السلام..... ۲۸

- بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنمی قریش..... ۳۱
- منابع دعای شریف صنمی قریش..... ۳۲
- مؤلف کتاب «رشد الولاء في شرح الدعاء»..... ۳۲
- اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش..... ۳۳
- صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش..... ۳۶
- شرح های دعای شریف صنمی قریش..... ۳۷
- برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش..... ۴۰
- دعای امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز..... ۵۵
- دعای امام رضا علیه السلام در سجده شکر..... ۶۴
- بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از مولی الموحّدين امیر المؤمنین علیه السلام..... ۷۲
- کتاب نامه..... ۸۵

